

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی
سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۸/۱۱
تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۲/۳/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۶
صص ۱۹-۳۲

مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی

*عادل رفیعی

چکیده

نوشته حاضر به مسئله منشأ مفهوم عامل در واژه‌های مشتق از وندهای مشهور به اسم عامل‌ساز در زبان فارسی می‌پردازد. برای این منظور ابتدا سه رویکرد عمده به این مسئله معرفی می‌شود و به کمک داده‌های زبان فارسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. داده‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر شامل تمامی واژه‌های مشتق از پسوندهای «-گر»، «-نده»، «-بان»، «-چی»، «-گار» و «-ار» از فرهنگ هشت جلدی سخن و فرهنگ زانسو می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌های فارسی حاکی از آن است که برخلاف رویکردهای سه‌گانه معرفی شده، مفهوم عامل را نمی‌توان برگرفته از نقش تئای موضوع بیرونی پایه دانست. با در نظر گرفتن این مطلب، دو منشأ احتمالی دیگر برای این مفهوم در واژه‌های مشتق معرفی می‌گردد: معنی وند مستقل از ساخت موضوعی پایه و ساخت صرفی واژه‌های مشتق مورد بررسی. در نهایت با ارائه شواهدی از فرآیندهای اشتقاق و ترکیب در زبان فارسی، معنی خود وند به عنوان منشأ مفهوم عامل در این گروه از واژه‌ها معرفی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عامل، اشتقاق، وند، اصل هم‌نمایی، صرف ساخت-محور

۱. مقدمه

در زبان فارسی و زبان‌هایی مانند انگلیسی که از فرآیند اشتقاق استفاده می‌کنند وندهایی وجود دارند که به وندهای اسم عامل‌ساز معروفند. مهم‌ترین این وندها در زبان فارسی عبارتند از «-گر»، «-نده»، «-بان»، «-چی»، «-گار»، و «-ار». به عنوان نمونه‌هایی از واژه‌های مشتق از این پسوندها می‌توان به «اشغالگر»، «گوینده»، «نگهبان»، «درشکه‌چی»، «خواستگار» و «خریدار» اشاره کرد^۱.

مسئله قابل بررسی در مورد این گروه از واژه‌های غیربسیط، منشأ مفهوم عامل در آنهاست. در پرداختن به این مسئله، ابتدا نظریات مختلف در این باره در قالب سه گروه معرفی می‌شود و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. پس از بررسی داده‌های فارسی و برشمردن اشکالات وارد بر این نظریات، منشأ متفاوتی برای مفهوم عامل در واژه‌های مشتق معرفی می‌شود.

داده‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر شامل تمامی واژه‌های مشتق از پسوندهای «-گر»، «-نده»، «-بان»، «-چی»، «-گار» و «-ار» از فرهنگ هشت جلدی سخن (انوری ۱۳۸۱) و فرهنگ زانسو (کشانی ۱۳۷۲) می‌شود. در کل، تعداد ۴۳۷ واژه مشتق غیرتکراری مبنای تحلیل را تشکیل داده است. از این تعداد، ۲۳۷ مورد مشتق از «-نده»، ۲۸ مورد مشتق از «-ار»، ۴۰ مورد مشتق از «-بان»، ۳۶ مورد مشتق از «-چی»، ۱۳ مورد مشتق از «-گار» و ۱۱۹ مورد مشتق از «-گر» هستند.

۲. رویکردهای مختلف در توجیه مفهوم عامل در واژه‌های مشتق

اگر چه مفهوم عامل در واژه‌های مرکب به وفور یافت می‌شود اما تقریباً تمام کارهای صورت گرفته در این زمینه به بررسی منشأ این مفهوم در واژه‌های مشتق محدود شده است. در این بخش رویکردهای مختلف درباره منشأ و چگونگی شکل‌گیری مفهوم عامل در واژه‌های مشتق، معرفی می‌شوند و متعاقباً به کمک داده‌های زبان فارسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. همان‌طوری که ذکر شد، نظریات مختلف در این باره در سه گروه قابل دسته‌بندی هستند.

۲-۱. تحلیل متکی بر ساخت موضوعی

در تحلیل‌های صرفاً متکی بر ساخت موضوعی، وند خالی از هر گونه معنایی در نظر گرفته می‌شود^۲. با خالی از معنی دانستن وند، آنگاه سعی می‌شود مفهوم عامل موجود در برخی واژه‌های مشتق با استفاده از ساخت موضوعی پایه‌ای که وند بدان افزوده شده است، توجیه شود. از جمله مهم‌ترین کارهای صورت گرفته با این رویکرد عبارتند از فب (۱۹۸۴)، کیسر و روپر (۱۹۸۴)، لوین و راپاپورت (۱۹۸۸)، بوی (۱۹۸۶)، و راپاپورت هووا و لوین (۱۹۹۲). این آثار عمدتاً به توصیف عملکرد پسوند «-er» و گاه «-ee» اختصاص دارند. از معدود آثار انجام شده در زبان

^۱ مهم‌ترین وند اسم عامل‌ساز در زبان انگلیسی را می‌توان پسوند «-er» دانست. واژه‌های «teacher» و «employer» نمونه واژه‌های مشتق از این پسوند هستند.

^۲ تعاریف ارائه شده در دستورهای سنتی نیز وند را عنصری فاقد معنی می‌دانند که می‌تواند در معنی پایه تصرف کند.

فارسی نیز می‌توان به واحدی لنگرودی و قادری (۱۳۸۹) اشاره کرد که بخشی از آن به مفهوم عامل در واژه‌های مشتق از پسوند «-نده» اختصاص دارد. در تمام این آثار باور بر آن است که پسوندهای اسم عامل‌ساز پس از افزوده شدن به پایه، به موضوع بیرونی آن مقید می‌شوند، آنگاه واژه مشتق مفهوم نقش تتایی را می‌گیرد که موضوع بیرونی پایه داشته است. برای روشن تر شدن مطلب به نمونه زیر توجه می‌کنیم:

خرید	+	ار	←	خریدار
فعل				اسم شخص و عامل

می‌دانیم که فعل «خریدن» دارای یک موضوع بیرونی و یک موضوع درونی است. موضوع بیرونی آن، یعنی کسی که عمل خریدن را انجام می‌دهد، دارای نقش تتای عامل می‌باشد. نکته جالب توجه آن است که واژه مشتق «خریدار» نیز دارای معنی عامل است لذا چنین ادعا می‌شود که واژه مشتق مفهوم عامل خود را وام‌دار نقش تتای موضوع بیرونی پایه است. این تحلیل را در مورد واژه‌های مشتق از پسوندهای دیگر نیز - به شرط آن‌که دارای پایه فعلی باشند - عیناً می‌توان وارد دانست.

اولین مسئله‌ای که این تحلیل با آن مواجه می‌شود، وجود مفاهیم غیرعامل نظیر ابزار و تجربه‌گر است. واژه «چاپگر» نمونه‌ای است که نه به شخص، بلکه به ابزار اطلاق می‌شود. به عنوان نمونه‌ای با مفهوم تجربه‌گر نیز می‌توان به واژه «تماشاگر» اشاره کرد.

در توجیه چگونگی شکل‌گیری این گونه مفاهیم غیرعامل، دو راه حل ارائه شده است: راه حل اول را بوی (۱۹۸۶) ارائه می‌دهد. وی مدعی می‌شود که این گونه مفاهیم ناشی از بسط مفهوم عامل‌اند. وی در توجیه مفهوم ابزار در واژه «printer» چنین مدعی می‌شود که در این مورد مفهوم عامل شخص به عامل غیرشخص بسط یافته است. این استدلال در مورد مفهوم ابزار در واژه فارسی «چاپگر» نیز قابل قبول می‌نماید. راه حل دوم را راپاپورت هوواو و لوین (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌دهند. به عقیده وی نحوه شکل‌گیری این نوع مفاهیم غیرعامل، از نحوه شکل‌گیری مفهوم عامل متفاوت نیست بلکه این مفاهیم نیز ریشه در نقش تتای موضوع بیرونی پایه دارند اما چون در این موارد نقش تتای این موضوع نه عامل بلکه تجربه‌گر است، واژه مشتق نیز از مفهوم تجربه‌گر برخوردار شده است.

دومین مسئله‌ای که این تحلیل با آن روبروست، وجود مفهوم مفعول محور در پاره‌ای از واژه‌های مشتق از این وندهاست. این مفهوم در میان واژه‌های مشتق از دو پسوند «-نده» و «-ار» به چشم می‌خورد. علی‌رغم آن‌که اغلب واژه‌های مشتق از این دو پسوند، دارای مفهوم فاعل محور هستند، از تعداد کل ۲۶۵ مورد، دست کم می‌توان به ۸ مورد اشاره کرد که از مفهومی مفعول محور برخوردارند. این واژه‌ها عبارتند از: «شکننده»، «پوسنده»، «ترشنده»، «رمنده»، «سوزنده»، «گرفتار»، «نوشتار» و «خواندار». در زبان انگلیسی نیز از میان واژه‌های مشتق از «-er» که عمدتاً دارای مفهوم فاعل محور هستند، می‌توان به واژه «sinker» اشاره کرد که دارای مفهوم مفعول محور است. در توجیه وجود این مفهوم به جملاتی مانند *The ship sank* استناد می‌شود، بدین صورت که فعل *sink* یک فعل آغازی در نظر گرفته می‌شود و بعد چنین استدلال می‌شود که واژه *sinker* مفهوم مفعول محور خود را از موضوع بیرونی پایه گرفته است. این تحلیل را می‌توان صرفاً در مورد برخی از نمونه‌های فارسی نظیر «پوسنده»، و «ترشنده» به کار برد

اما توجیه مفهوم مفعول محور موجود در واژه‌هایی با پایه فعلی غیرآغازین - نظیر «گرفتار» - با این رویکرد غیرممکن است.

تحلیل صرفاً مبتنی بر ساخت موضوعی و مشخصاً نقش تنای موضوع بیرونی پایه، در مواقعی که پایه‌ها از نوع فعلی باشند قادر به توجیه مفهوم فاعل محور، و در مواردی مفعول محور است^۳، اما مهم‌ترین مسئله این تحلیل هنگامی پیش می‌آید که پایه موجود غیر فعلی و مشخصاً اسمی باشد. واژه‌هایی نظیر «آهنگر» و «راهبان» دارای چنین پایه‌هایی هستند. در واژه‌های مشتق بررسی شده، از میان موارد مشتق از «-نده» و «-ار»، به ترتیب واژه‌های «انبارنده»، و «دوستار» دارای پایه‌های اسمی از نوعی هستند که امکان قائل شدن به موضوعی بیرونی با نقش تنای عامل و متعاقباً انتساب مفهوم عامل واژه مشتق به آن وجود ندارد. تمام واژه‌های مشتق از «-بان» نیز دارای پایه‌های اسمی از این نوع هستند. در میان واژه‌های مشتق از «-گر» نیز ۴۷ مورد دارای پایه‌هایی با این مشخصات هستند. به عنوان نمونه‌هایی از این دست واژه‌ها می‌توان به «باغبان»، «زندانبان»، «کشتی‌بان»، «تصویرگر» و «زرگر» اشاره کرد. تحلیل صرفاً متکی بر ساخت موضوعی پایه در این مورد به بن‌بست می‌رسد^۴.

۲-۲. تحلیل متکی بر ساخت موضوعی به همراه برخی ملاحظات معنایی

وجود وند «-ee» در زبان انگلیسی که برخلاف وند «-er» واژه‌هایی با مفهوم مفعولی به دست می‌دهد، موجب ایجاد تغییراتی در نحوه استفاده از ساخت موضوعی پایه در توجیه مفاهیم موجود در واژه‌های مشتق شده است. وجود مفهوم مفعول محور از یک سو و اصرار در بدون معنی دانستن وند و استفاده از ساخت موضوعی پایه برای توجیه مفاهیم موجود در واژه‌های مشتق، بارکر (۱۹۹۸) را بر آن داشته تا با قائل شدن به وجود برخی ملاحظات معنایی بر روی وند، امکان مقید شدن وند را با موضوع‌هایی غیر از موضوع بیرونی پایه فراهم سازد. وی مدعی می‌شود که تحلیل صرفاً متکی بر ساخت موضوعی نمی‌تواند توصیف جامعی از صرف اشتقاقی به دست دهد لذا در توجیه وجود مفهوم مفعول محور در واژه‌هایی نظیر «addressee» و «employee» برخی محدودیت‌های معنایی را معرفی می‌کند که ناظر بر انتخاب موضوع مناسب پایه هستند. بارکر دو شرط معنایی برای انتخاب موضوع مناسب از سوی پسوند «-ee» ارائه می‌کند: ذی‌شعور بودن^۵ و غیرارادی بودن^۶. تحت عملکرد این دو محدودیت معنایی، پسوند «-ee»

^۳ - در زبان انگلیسی نمونه‌های بسیاری در مفهوم مفعول محور و با پایه‌های فعلی وجود دارند که نه می‌توان آنها را از نوع افعال آغازی دانست و نه ساخت میانی، به عنوان نمونه «keeper» و «loaner».

^۴ - لازم به ذکر است که برای نوع دیگر از پایه‌های اسمی - با توجه به مفهوم فعلی موجود در آنها - می‌توان به ساخت موضوعی مشابه فعل قائل شد. به عنوان نمونه‌هایی از این دست پایه‌ها می‌توان به «استعمار» و «تجاوز» در «استعمارگر»، و «تجاوزگر» اشاره کرد.

5 - sentient

6 - non- volitionality

در نمونه‌های بالا تنها می‌تواند با موضوع درونی پایه گره بخورد که از نقش تتای پذیرا برخوردار است. به این ترتیب مفهوم مفعول محور موجود در واژه مشتق نیز توجیه می‌شود.

در این رویکرد تحلیل معنایی بسیاری از واژه‌های مشتق دارای مفاهیم فاعلی، و مفعولی به خوبی صورت می‌گیرد^۳، اما موارد زیادی نیز وجود دارند که این تحلیل قادر به توجیه‌شان نیست و همان اشکال وارد بر رویکرد اول مبنی بر عدم امکان توجیه مفهوم عامل در واژه‌های دارای پایه اسمی، به این رویکرد نیز وارد است. همان‌طوری که در بخش گذشته ذکر شد در میان داده‌های فارسی مورد بررسی، تعداد قابل توجهی دارای پایه‌هایی اسمی هستند که امکان قائل شدن به ساخت موضوعی از نوع ساخت موضوعی پایه‌های فعلی در موردشان وجود ندارد، و لذا راه‌حل بهره‌گیری از نقش تتای موضوع بیرونی، یا درونی در توجیه مفهوم فاعل-محور، یا مفعول-محور در موردشان منتفی است. از سوی دیگر حتی در مواردی که پایه از نوع فعلی نیز باشد، امکان استفاده از مفاهیمی چون ذی‌شعور بودن، یا ارادی/ غیر ارادی بودن- برخلاف موارد انگلیسی مذکور- قابل طرح نیست. برای روشن‌تر شدن مطلب در اینجا به تحلیل معنایی واژه «نوشتار»- که دارای مفهوم مفعول-محور است- می‌پردازیم. پایه فعلی این واژه دارای دو موضوع است. موضوع بیرونی آن دارای نقش تتای عامل است و آشکارا نمی‌تواند تعیین‌کننده مفهوم مفعول-محور واژه مشتق باشد. موضوع درونی نقش تتای پذیرا دارد و به صورت بالقوه می‌تواند منشأ این مفهوم قرار گیرد اما برخلاف موارد انگلیسی مذکور در این مورد نمی‌توان دلیلی مبنی بر نشأت نگرفتن مفهوم عامل از موضوع بیرونی و برگرفتن مفهوم مفعول-محور از موضوع درونی به دست داد. در مورد «ee-» شاهد بودیم که این پسوند همواره با موضوعی فاقد شعور و اراده گره می‌خورد، این در حالی است که در مورد نمونه‌های فارسی، در اغلب موارد، شاهد مفهوم فاعل-محور و لذا اخذ مفهوم نقش تتای موضوع بیرونی هستیم.

نکته مهمی که از نگاه بارکر (۱۹۹۸) و نیز دیگر محققین قبل از وی به دور مانده است، مطلبی است که بوی و لیبر (۲۰۰۴) مطرح می‌سازند. طبق گفته ایشان تعداد قابل ملاحظه‌ای واژه مشتق از پسوندهای «er-» و «ee-» وجود دارند که علی‌رغم داشتن پایه‌های اسمی، به لحاظ معنایی به مشتق‌های فعلی شبیه‌اند. این دسته از واژه‌های مشتق دارای پایه اسمی، به مانند واژه‌های مشتق دارای پایه فعلی از مفهومی فرآیندی برخوردارند. این مطلب در مورد بسیاری از واژه‌های مشتق از «-گر» نیز صادق است. واژه «مسگر» در زبان فارسی، و «Londoner» در زبان انگلیسی، نمونه‌هایی از این نوع واژه‌ها هستند. حال سؤال این است که اگر مفهوم فرآیندی در واژه‌های مشتق از فعل را ناشی از مفهوم فرآیندی پایه فعلی بدانیم، وجود این مفهوم در واژه‌های مشتق با پایه اسمی چگونه قابل توجیه است؟ این مسئله امکان معنی‌دار بودن پسوند اشتقاقی را پیش می‌کشد.

۲-۳. تحلیل متکی بر ساخت موضوعی و محتوای معنایی وند

در رویکرد سوم به تحلیل معنایی واژه‌های مشتق، وندهای اشتقاقی صورت‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که از محتوای معنایی برخوردارند. دو اثر بوی و لیبر (۲۰۰۴)، و لیبر (۲۰۰۴) را می‌توان مهم‌ترین آثار با این رویکرد

دانست.^۷ در مدل ارائه شده توسط ایشان، دو سطح معنایی برای واحدهای واژگانی در نظر گرفته می‌شود: سطح اسکلت معنایی و سطح بدنه معنایی. اسکلت معنایی سطحی از معنی است که نظام دستوری زبان نسبت به آن حساس است، در مقابل سطح دوم برای نظام دستوری زبان حائز اهمیت نیست و تنها باعث ایجاد تمایز بین واژه‌هایی می‌شود که از اسکلت معنایی یکسانی برخوردارند. اسکلت معنایی واژه‌ها با استفاده از تعداد محدودی مؤلفه معنایی توصیف می‌شود^۸ که می‌توانند به صورت میان مقوله‌ای به کار روند. ویژگی میان مقوله‌ای بودن این مؤلفه‌ها باعث می‌شود تا بتوان به کمک تعداد محدودی مؤلفه معنایی واژه‌های متعلق به مقولات و زیر مقولات دستوری مختلف را توصیف کرد. در این مدل فرض بر آن است که وندهای اشتقاقی زبان همچون واژه‌های بسیط دارای اسکلت معنایی هستند اما برخلاف آنها فاقد بدنه معنایی هستند.^۹

با توجه به هسته بودن پسوند، اسکلت معنایی [+ماده، پویا] برای پسوندهای اسم عامل‌ساز در نظر گرفته می‌شود. این اسکلت معنایی حاکی از آن است که واژه‌های مشتق از این وندها همگی اسم‌هایی عینی با مفهومی پویا هستند. آنگاه صورت‌بندی چگونگی ظهور یک واحد ارجاعی از هم‌نشینی دو جزء تشکیل‌دهنده واژه مشتق، یعنی پایه و وند- به دست داده می‌شود. در انجام این کار بوی و لیبر به محدودیت هم‌نمایگی^{۱۰} متوسل می‌شوند که ریشه در آرای بوی (۱۹۸۶)، راپاپورت هوواو و لوین (۱۹۹۲) و بارکر (۱۹۹۸) دارد. محدودیت هم‌نمایگی ناظر بر آن است که به هنگام تشکیل یک واحد ارجاعی از دو اسکلت معنایی، بالاترین موضوع غیر هسته با بالاترین موضوع هسته هم نمایه می‌شود. چنانچه هسته در انتخاب موضوع دارای شرایطی باشد هم‌نمایگی باید در راستای برآورده کردن این شرایط صورت پذیرد. تحلیل ایشان در مورد واژه‌های دارای پایه فعلی- مانند تحلیل محققین قبلی- به مشکلی بر نمی‌خورد:

«گوینده»

گوی -نده

[+پویا(i), []] ، [+ماده، پویا(i)]

در این راستا تحلیل ویلیامز (۱۹۸۱) و هیگن باتم (۱۹۸۵) را می‌توان مطرح کرد که طبق آن اسامی دارای دست کم یک موضوع بیرونی به نام موضوع ارجاعی (referential argument) هستند. پسوند «-er» نیز به سبب اسم‌ساز بودن دارای ساخت موضوعی از نوع ساخت موضوعی اسامی است. ساخت موضوعی این پسوند در نمودار فوق و درون اسکلت معنایی آن به شکل [] مشخص شده است.

^۷ در زبان فارسی نیز مقاله کریمی‌دوستان و مرادی (۱۳۹۰) در این چارچوب تدوین شده است.

^۸ نحوه صورت‌بندی و مؤلفه‌های معنایی به کار رفته در اسکلت معنایی برگرفته از جکنداف (۱۹۹۰) است.

^۹ برای مطالعه درباره نحوه به کارگیری مدل اسکلت-بدنه معنایی در اشتقاق زبان فارسی می‌توان به رفیعی (۱۳۸۹) رجوع کرد.

اشتقاق واژه‌هایی نظیر «استعمارگر»^{۱۱} نیز در این چارچوب کاملاً توجیه‌پذیر است. همچنین این تحلیل در توجیه چگونگی الحاق پسوندهای اسم عامل‌ساز به افعال آغازی نیز، با توجه به نوع نقش تنای بیرونی پایه کاملاً جوابگوست.

برخلاف تحلیل‌های قبلی در این تحلیل با قائل شدن به وجود معنی برای وند و قرار دادن مؤلفه پویا در اسکلت معنایی پسوندهای اسم عامل‌ساز، مفهوم فرآیندی موجود در واژه‌های مشتق دارای پایه اسمی نظیر «زرگر»، و «مسگر» امکان توجیه می‌یابد. با این‌حال و علی‌رغم رفع مسئله مفهوم فرآیندی، توجیه مفهوم عامل کماکان امکان‌پذیر نیست.

طبق آنچه ذکر شد از رویکرد دوم به بعد توجه به معنی خود وند معطوف شده است. توجه به معنی در ابتدا با قائل شدن به وجود برخی ملاحظات معنایی بر عملکرد وندها نشان داده شد. در نهایت در رویکرد سوم نوعی معنی - از نوع اسکلت معنایی - برای وندها در نظر گرفته شد. با این حال منشأ مفهوم عامل در واژه‌های مشتق همواره در ساخت موضوعی پایه جستجو شده است. پس از بررسی واژه‌های مشتق استخراج شده فارسی، ذکر دو نکته درباره تحلیل متکی بر ساخت موضوعی و محتوای معنایی وند لازم است:

نخست آن که این تحلیل نیز مثل دو تحلیل قبل، در بهترین شرایط می‌تواند وجود مفهوم عامل را تنها در واژه‌هایی توجیه کند که یا دارای پایه فعلی هستند، یا دارای پایه اسمی که ساخت موضوعی خود را از افعال گرفته است. به عنوان نمونه‌هایی برای گروه اول می‌توان از «جوینده»، «آموزگار»، و «خریدار» نام برد. برای گروه دوم نیز می‌توان «استعمارگر»، و «قاچاقچی» را نمونه آورد. این در حالی است که پسوندهای موسوم به اسم عامل‌ساز در زبان فارسی تعداد بسیار زیادی واژه نظیر «زرگر»، «درشکه‌چی»، و «باغبان» به دست می‌دهند که پایه‌هایشان آشکارا فاقد ساخت موضوعی از نوع افعال می‌باشند و لذا نمی‌توان موضوعی بیرونی با نقش تنای عامل برایشان در نظر گرفت تا با اتکا به آن بتوان وجود مفهوم عامل را توجیه کرد. همان طوری که در بخش ۲-۱ ذکر شد، از میان واژه‌های مشتق فارسی بررسی شده، علاوه بر واژه‌های «انبارنده»، و «دوستار»، تمام واژه‌های مشتق از «- بان» و نیز ۴۷ مورد از واژه‌های مشتق از «-گر» دارای پایه‌های اسمی از نوعی هستند که نمی‌توان برایشان ساخت موضوعی از نوع ساخت موضوعی افعال در نظر گرفت.

ایراد دوم به اصل هم‌نمایگی مربوط است. ایراد بر اصل هم‌نمایگی قابل تعمیم به کل ایده بهره‌گیری از ساخت موضوعی در توجیه مفهوم عامل در این واژه‌هاست. به طور کل دو اشکال عمده نیز بر اصل هم‌نمایگی وارد است: الف) علی‌رغم آن‌چه در اصل هم‌نمایگی درباره اخذ نقش تنای بالاترین موضوع پایه توسط موضوع پسوند گفته می‌شود، موارد زیادی وجود دارند که نقش تنای بالاترین موضوع پایه نقشی در مفهوم موجود در واژه مشتق ندارد. این وضعیت در مورد تعداد قابل توجهی از واژه‌های فارسی مورد بررسی حاکم است. به‌طور مشخص

^{۱۱} -/استعمارگر اگر چه اسم است اما از ساخت موضوعی فعل «استعمار کردن» برخوردار است. لذا می‌توان به وجود موضوعی بیرونی با نقش تنای عامل قائل شد.

واژه‌های «گرفتار»، «نوشتر»، «خواندار»، «ایستار»، «جستار»، «دیدار»، «رفتار»، «شنیدار»، «کردار»، «کشتار»، «گشتار»، و «گفتار» چنین هستند. همچنین تمامی واژه‌های مشتق از «-بان» - به سبب دارا بودن پایه‌های اسمی نظیر «باغ»، «در» و موارد مشابه از چنین وضعیتی برخوردارند. آن دسته از واژه‌های مشتق از «-گر» نیز که دارای پایه از نوع اسم عینی هستند نیز جزو این دسته‌اند. از میان واژه‌های مشتق از «-گار» نیز می‌توان به سه واژه «خداوندگار»، «روزگار»، و «یادگار» اشاره کرد که دارای چنین وضعیتی هستند.

ب) بر طبق اصل هم‌نمایی، به سبب هم‌نمای شدن و اخذ نقش تتای بالاترین موضوع پایه توسط بالاترین موضوع پسوند، باید در دیگر واژه‌های مشتق نظیر «خریدن»، «زایمان»، و «دیدگاه» نیز به سبب وجود ساخت موضوعی فعلی شاهد وجود مفهوم عامل باشیم، در حالی که چنین نیست و هیچ دلیلی نیز مبنی بر عمل نکردن اصل هم‌نمایی بر روی این قبیل واژه‌های مشتق وجود ندارد. با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان مدعی شد که تحلیل متکی بر ساخت موضوعی پایه و نقش تتای موضوع‌های آن نمی‌تواند تحلیل جامعی در مورد منشأ مفهوم عامل به دست دهد.

۳. منشأ مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی

با کنار گذاشتن اصل هم‌نمایی و متعاقباً رد تأثیر ساخت موضوعی در تعیین مفهوم عامل در واژه‌های مشتق، به نظر می‌رسد تنها بتوان دو منشأ دیگر برای آن قائل شد: معنی وند بدون توجه به ساخت موضوعی پایه و ساخت صرفی واژه‌های مشتق. در زیر این دو منشأ احتمالی به ترتیب معرفی شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

۳-۱. معنی وند

با کنار گذاشتن نقش ساخت موضوعی در شکل‌گیری مفهوم عامل در واژه‌های مشتق، این مسئله پیش می‌آید که آیا صرفاً با اتکا به معنی وند می‌توان وجود مفهوم عامل را توجیه کرد یا خیر. همان طوری که ذکر شد در تحلیل بوی و لیبر (۲۰۰۴) و در چارچوب معنی‌شناسی دستوری، معنی این گونه وندها [+ماده، پویا] در نظر گرفته می‌شود^{۱۲} با پذیرش حضور این دو مؤلفه در ساختار معنایی وندهای اسم عامل‌ساز و قائل شدن به عملکرد نوعی فرآیند چندمعنی‌شدگی، به نظر می‌رسد جواب این پرسش مثبت باشد. با هسته دانستن پسوند در واژه‌های مشتق، و پذیرش معنی [+ماده، پویا] برای پسوندهای مورد بررسی، انتظار می‌رود تمامی واژه‌های حاصل از این وندها از دو مفهوم اسم عینی و فرآیند برخوردار باشند. حال سؤال این است که اسامی دارای این اسکلت معنایی اساساً چه مفاهیمی را می‌توانند به خود بگیرند؟ به نظر می‌رسد حضور همزمان معانی اسم و فرآیند در یک اسم صرفاً می‌تواند منجر به شکل‌گیری یکی از این مفاهیم شود: اسمی که فرآیندی را انجام می‌دهد (مفهوم فاعل محور)، اسمی که فرآیند

^{۱۲} -واژه‌های مشتق از وندهای مورد بررسی در مقاله حاضر حاصل عملکرد فرآیند تبدیل صفت به اسم هستند، اما در این جا وضعیت نهایی آنها - یعنی اسم - مد نظر قرار گرفته است.

برروی آن انجام می‌شود (مفهوم مفعول محور)، اسمی که نشانگر یک فرآیند است (مفهوم اسم عمل)، و اسمی که نه مفهوم فرآیند بلکه مفهوم ایستایی را در خود دارد (مفهوم اسم ایستا). شکل‌گیری معانی مختلف اما مرتبط به هم که دارای معنای مرکزی یکسانی هستند، ناشی از چندمعنی‌شدگی منطقی^{۱۳} است. چندمعنی‌شدگی منطقی نوعی از چندمعنایی حاصل از کم تخصیص بودن^{۱۴} معنی عناصر زبانی می‌باشد (لیبر ۲۰۰۴: ۱۱).

در مورد گروه اسم ایستا لازم به توضیح است که مؤلفه پویایی می‌تواند دو ارزش + یا - به خود بگیرد. این مؤلفه با ارزش مثبت نشانگر یک رویداد است و وقتی در درون یک اسم قرار می‌گیرد، اسمی فرآیندی به دست می‌دهد که می‌تواند مفهوم فاعل محور، مفعول محور، یا اسم عمل داشته باشد. در مقابل این مؤلفه با ارزش منفی مفهومی ایستا دارد و ناظر است بر فعل‌های غیرفرآیندی شامل «استن»، «بودن»، و «داشتن». چنانچه این مؤلفه با ارزش منفی در درون یک اسم قرار گیرد، ماحصل اسمی خواهد شد که برای نامیدنش از اصطلاح اسم ایستا استفاده کردیم. با مبنا قرار دادن مؤلفه‌های ماده و پویا در درون وند و نشأت گرفتن مفاهیم چهارگانه حاصل از چندمعنایی منطقی، مشخص می‌شود که مفهوم عامل در واژه‌های مشتق یک مفهوم ثانویه است.

بررسی واژه‌های مشتق فارسی استخراج شده مؤید حضور مفاهیم چهارگانه فوق در واژه‌های مشتق است. در زیر چندمعنی‌شدگی واژه‌های مشتق از پسوندهای فارسی را بررسی می‌کنیم:

واژه‌های مشتق از «-نده» متعلق به یکی از دو مفهوم فاعل محور، یا مفعول محور هستند. به طور مشخص از میان ۲۳۷ واژه مشتق از این وند، ۵ واژه از مفهوم مفعول محور برخوردارند. نکته جالب توجه این که برای برخی از واژه‌های دارای مفهوم فاعل محور می‌توان کارکرد مفعول محور را نیز در بافت‌های معین در نظر گرفت. در زیر به نقل از کریمی‌دوستان و مرادی (۱۳۹۰) به دو کارکرد مختلف واژه «شکننده» در دو جمله مختلف اشاره می‌کنیم:

(۱) ناخن‌ها کماکان نرم و شکننده هستند.

(۲) شکننده رکورد رضازاده بهترین وزنه‌بردار المپیاد ایرانیان شد.

واژه «شکننده» در نمونه اول دارای مفهوم مفعول محور و در نمونه دوم دارای مفهوم فاعل محور است. این امر می‌تواند نشان از امکان عملکرد فرآیند چندمعنی‌شدگی داشته باشد که برگرفته از دو مؤلفه معنایی ماده و پویا است و در موقعیت‌های مختلف می‌تواند در دو مفهوم متفاوت اما مرتبط به هم به کار رود.

حال به معانی مختلف واژه‌های مشتق از «-ار» می‌پردازیم. تحلیل معنایی واژه‌های مشتق از این پسوند نشان از دسته‌بندی چهارگانه فاعل محور، مفعول محور، اسم عمل، و اسم ایستا دارد. به طور مشخص از ۲۸ واژه مورد بررسی ۸ مورد به مقوله فاعل محور، ۳ مورد مفعول محور، ۱۰ مورد اسم عمل، و ۷ مورد اسم ایستا تعلق دارند. برای هر یک از این مقوله‌ها می‌توان به ترتیب این نمونه‌ها را شاهد آورد: «خریدار»، «گرفتار»، «جستار» و «برخوردار». تمامی واژه‌های مشتق از «-بان» به مقوله فاعل محور تعلق دارند.

¹³ - logical polysemy

¹⁴ - underspecification

واژه‌های مشتق از «-چی» به دو مقوله فاعل محور و اسم ایستا تعلق دارند. البته تعداد واژه‌های دارای مفهوم فاعل محور- مانند وضعیت حاکم بر اغلب واژه‌های مشتق از پسوندهای دیگر مورد بررسی- بسیار بیشتر از واژه‌های دارای مفهوم اسم ایستا است. نمونه واژه متعلق به مقوله دوم «انزلیچی» است. نکته مهم این که با دقت در برخی واژه‌های دارای مفهوم فاعل محور، می‌توان معنی اسم ایستا را نیز- در بافت‌های مناسب- برایشان در نظر گرفت. مثلاً واژه «تراکتورچی» هم می‌تواند به معنی «شخصی که عملی را با تراکتور انجام می‌دهد» باشد و هم مثلاً «کسی که هوادار تیم تراکتورسازی است».

حال به واژه‌های مشتق از «-گار» می‌پردازیم. واژه‌های مشتق از این پسوند نیز به دو گروه فاعل محور و اسم ایستا تعلق دارند. به طور مشخص از ۱۳ مورد واژه مشتق از «-گار»، ۱۰ مورد دارای مفهوم فاعل محور و ۳ مورد اسم ایستا می‌باشد. دو واژه «آفریدگار» و «یادگار» به ترتیب نمونه‌هایی از این دو مقوله هستند. در نهایت به واژه‌های مشتق از «-گر» اشاره می‌کنیم. تحلیل معنایی واژه‌های مشتق از این پسوند نشان می‌دهد که تمامی این واژه‌ها به مقوله فاعل محور تعلق دارند، حتی اگر پایه آن‌ها از نوع اسم عینی، نظیر «مس» و جز آن باشد.

با توجه به حیظه چندمعنی‌شدگی واژه‌های مشتق فارسی مورد بررسی، می‌توان مدعی شد مفهوم عامل، در کنار مفاهیم دیگر، برگرفته از معنی خود وند است که از معنایی کم تخصیص برخوردار بوده و امکان بروز چندمعنی‌شدگی منطقی را فراهم می‌سازد.

۲-۳. ساخت صرفی واژه‌های مشتق

منشأ مفهوم عامل را شاید بتوان در ساخت صرفی واژه‌های مشتق نیز جستجو کرد. ایده استفاده از مفهوم ساخت اولین بار توسط گلدبرگ (۲۰۰۶) در تحلیل‌های نحوی به کار گرفته شده و نام دستور ساخت- محور را به خود گرفت. بوی (۲۰۱۰) نیز با الهام از دستور ساخت- محور، مفهوم ساخت را در تحلیل‌های صرفی به کار برد و عنوان صرف ساخت- محور را بر آن نهاده. صرف ساخت- محور نظریه‌ای است درباره ساختار واژه‌های غیربسیط. این نظریه، با رویکردی جانشینی به صرف، برای توصیف و بررسی رابطه نظام‌مند بین صورت و معنی در واژه‌سازی، از مفهوم ساخت بهره می‌برد. در این نظریه، با استفاده از طرح‌واره‌های ساختی شامل یک ساخت و سازه‌های حاصل از آن، واژه‌سازی، ساختار واژگان و رابطه بین صرف، نحو و واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد توصیف ساختمان یک واژه غیربسیط حاصل تجمیع تکواژها در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه ساختار کلی واژه با قائل شدن به وجود برخی ساخت‌های خاص صرفی توجیه می‌شود.^{۱۵} نکته حائز اهمیت برای نوشته حاضر این است که در صرف ساخت- محور اساساً هیچ معنایی برای وند در نظر گرفته نمی‌شود.

^{۱۵}- برای مطالعه بیشتر درباره نظریه صرف ساخت-محور می‌توان به بوی (۲۰۱۰ و ۲۰۱۲) رجوع کرد. در زبان فارسی نیز می‌توان از رفیعی (۱۳۹۱) استفاده کرد.

حال به مسئله منشأ مفهوم عامل در برخی واژه‌های مشتق در این چارچوب می‌پردازیم. طبق آنچه در صرف ساخت-محور ذکر می‌شود بر اساس واژه‌های غیربسیط نظیر «زرگر»، «مسگر»، «آهنگر»، و موارد مشابه طرح‌واره زیر را می‌توان متصور شد: <[AGENT with relation R to SEMi]j ↔ [[x]Ni gar]Nj >

این طرح‌واره بیانگر نوعی تعمیم در صورت و معنی اسامی دارای پسوند «-گر» در واژگان زبان فارسی است و می‌تواند بدون انتساب هر گونه معنایی برای وند، مبنای ساخت اسامی جدیدی با مفهوم عامل واقع شود. طبق این طرح‌واره، وند «-گر» خالی از هر نوع معنایی است و معنی واژه مشتق برآیند معنی پایه و ساختی است که در آن قرار گرفته است. بدین ترتیب مفهوم عامل، یا هر مفهوم دیگری در سطح معنی‌شناسی دستوری را ساخت رقم می‌زند نه معنی وند. بدیهی است که در این رویکرد قائل شدن به هسته بودن وند نیز مطرح نیست.

۴. نتیجه

با توجه به تحلیل داده‌های فارسی، به نظر نمی‌رسد بهره‌گیری از ساخت موضوعی و مشخصاً نقش‌های تتای موضوع‌های پایه برای توجیه مفهوم عامل در واژه‌های مشتق از وندهای مشهور به اسم عامل‌ساز کارآمد باشد. برای توجیه مفهوم عامل در این گروه از واژه‌ها یا باید این مفهوم را در معنی خود وند جستجو کرد و یا با قائل شدن به وجود ساخت صرفی برای هر وند، آن را بخشی از ساخت صرفی دانست. در مقام مقایسه دو منشأ ذکر شده برای مفهوم عامل، سه مطلب دیدگاه نخست مبنی بر منشأ مفهوم عامل در معنی خود وند را در مقابل دیدگاه دوم تقویت می‌کند:

اول) وجود واژه‌های مشتق دارای مفهوم مفعول محور، اسم عمل و اسم ایستا در کنار خیل واژه‌هایی با مفهوم فاعل محور منعکس‌کننده مقوله‌بندی چهارگانه در دیدگاه اول است.

دوم) شاهد بعدی در تقویت دیدگاه نخست را می‌توان از تحلیل معنایی کلمات مرکب غیرفعلی آورد که یکی از اجزایشان از مشتقات فعل است. به عنوان نمونه‌هایی از این نوع واژه‌ها می‌توان به «پلوپز»، «گوشت‌خوار»، و «ناخن‌گیر» اشاره کرد. در تمام این موارد مفهوم عامل حضور دارد. نکته قابل توجه در ساختار این واژه‌ها حضور دو مؤلفه معنایی [ماده] و [پویا] در کنار هم است. در نمونه‌های ارائه شده جزء اول به مقوله اسم تعلق دارد و جزء دوم نیز با داشتن اسکلت معنایی [پویا] از مفهوم فرآیند برخوردار است. این بدان معنی است که این نوع واژه‌های مرکب و واژه‌های مشتق از پسوندهای مشهور به اسم عامل‌ساز، در سطح معنی‌شناسی دستوری عیناً از یک اسکلت معنایی برخوردارند. حال انتظار این است که در این گروه از کلمات مرکب غیر فعلی نیز حضور این معانی در اسکلت معنایی منجر به شکل‌گیری واژه‌هایی شود که صرفاً در یکی از چهار مقوله فاعل محور، مفعول محور، اسم عمل، یا اسم ایستا جای بگیرند. بررسی داده‌های موجود این وضعیت را تأیید می‌کند. واژه‌های مرکب اسمی دارای پایه فعلی در زبان فارسی عمدتاً از معنی فاعل محور برخوردارند (نمونه‌هایی از این نوع واژه‌های مرکب را در بالا شاهد آوردیم). با این حال مواردی که دارای معنی مفعول محور، اسم عمل، یا اسم ایستا باشند نیز به وفور یافت می‌شود. به عنوان نمونه‌های دارای معنی مفعول محور می‌توان به «لگدکوب» و «دستباف» اشاره کرد. از میان واژه‌های مرکب

اسمی با معنی اسم عمل نیز می‌توان از «پاگشا»، «کارکرد» و «دستبرد» نام برد. «تاجدار» نیز نمونه‌ای است با مفهوم اسم ایستا.

سوم) در میان آن دسته از واژه‌های مرکب متعلق به مقوله نحوی اسم که فاقد جزء فعلی‌اند، واژه‌ای که از مفهوم فاعل محور، مفعول محور، اسم عمل، یا اسم ایستا برخوردار باشد دیده نمی‌شود. این امر می‌تواند ایده منشأ گرفتن مفهوم عامل از اجزای معنایی اسم عینی و فرآیند را تقویت کند.

در نهایت لازم به ذکر است که رد ساخت صرفی به عنوان منشأ مفهوم عامل در واژه‌های مشتق به معنی رد وجود چنین ساخت‌هایی نیست، بلکه لزوم قائل شدن به معنی برای وند را پیش می‌کشد، همچنین بیانگر این نکته نیز است که مفاهیم منسوب به ساخت صرفی الزاماً قراردادی نیستند و می‌توانند حاصل تعامل بین اجزای حاضر در ساخت باشند. شاید قائل شدن به وجود ساخت‌هایی صرفی که در آن وند نیز حاوی اطلاعات معنایی- در سطح اسکلت معنایی و به صورت کم تخصیص یافته- باشد بتواند چارچوب مناسب‌تری برای طرح این مسئله و مسائل مشابه در حوزه معنی‌شناسی واژگانی فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها

الف- البته باید متذکر شد که در برخی موارد نیاز به تحلیل‌های پیچیده‌تری احساس می‌شود. تحلیل معنایی واژه‌های «addressee»، «standee» و «amputee» از این نوع است. به عنوان مثال در مورد واژه اول، «- ee» نمی‌تواند با موضوع درونی پایه به سبب ذی‌شعور بودنش گره بخورد و نقش تائیس را اخذ نماید. تنها موضوع مناسب در ساخت موضوعی پایه آن است که مفعول غیرمستقیم به حساب می‌آید و از نقش تئای هدف (goal) برخوردار است.

کتابنامه

- انوری، حسن. (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- رفیعی، عادل. (۱۳۸۹) «اشتقاق پسوندی در زبان فارسی»، مجله دستور (ویژه‌نامه فصلنامه علمی- پژوهشنامه فرهنگستان)، شماره چهارم، صص ۱۰۵-۶۹.
- _____ . (۱۳۹۱) «صرف ساخت محور: شواهدی از فرآیندهای واژه‌سازی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی ۳۲۷-۳۳۶.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و ابراهیم مرادی. (۱۳۹۰) «بررسی نقش معنایی پسوندهای - نده و - ار در زبان فارسی»، مجله پژوهش‌های زبانی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۰۱.
- کشانی، خسرو. (۱۳۷۲) فرهنگ فارسی زانسو، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلباسی، ایران. (۱۳۷۱) ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مقرب، مصطفی. (۱۳۷۲) ترکیب در زبان فارسی، تهران: توس.
- واحدی‌لنگرودی، محمدمهدی و مهدی قادری. (۱۳۸۹) «ساخت موضوعی کلمات مشتق در زبان فارسی»، زبان‌شناخت، سال اول، شماره اول، صص ۷۴-۵۷.

- Barker, C. (1998) Episodic -ee in English: a thematic role constraint on new word formation. *Language* 74.4, 695-727.
- Booij, G. (1986). Form and meaning in morphology: the case of Dutch agent nouns, *Linguistics* 24, 503-517
- _____. (2010). *Construction Morphology*, Oxford: Oxford University Press.
- _____. (to appear). Dutch Word formation. In Peter O. Muller, Ingeborg Ohnheiser, Susan Olsen and Franz Rainer (Eds.). *Word formation. An international handbook of the languages of Europe*. Berlin: De Gruyter.
- Booij, G. and Rochelle Lieber (2004) on the paradigmatic nature of affixal semantics in English and Dutch. *Linguistics* 42, 327-357.
- Goldberg, A. (2006). *Constructions at Work, the Nature of Generalization in Language* Oxford: Oxford University Press.
- Higginbotham, J. (1985) On semantics. *Linguistic Inquiry*, 16: 547-593.
- Jackendoff, R. (1990) *Semantic Structures*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Keyser, Jay and Thomas Roeper (1984) On the Middle and Ergative Constructions in English, *Linguistic Inquiry* 15/3, 381-416
- Levin, B. and M. Rappaport (1988) Nonevent -er Nominals: a Probe into argument structure, *Linguistics* 26, 1067-1084.
- Lieber, R. (2004) *Morphology and Lexical Semantics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Rappaport Hovav, M. and Beth Levin (1992) -er nominals: implications for a theory of argument structure. In T. Stowell and E. Wehrli, eds., *Syntax and Semantics, vol. XXVI: Syntax and the Lexicon*. 127-53. New York: Academic Press.
- Sproat, R. (1985) On Deriving the Lexicon. PhD dissertation, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, MA.
- Williams, E. (1981) Argument Structure and Morphology. *The Linguistic Review* 1, 81-114.

